



بررسی تاثیر محافظه کاری بر اندازه شرکت

در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

حبیب اله نخعی^۱

مریم بندانپور^۲

چکیده

این پژوهش اثر محافظه کاری حسابداری، اقلام تعهدی و بازده سود و سهام را بر اندازه شرکت های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره پنج ساله از ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ در نظر گرفته شده است. روش تحقیق در تحقیق حاضر روش توصیفی تحلیلی است. تحقیق حاضر، کاربردی است که در آن از اطلاعات واقعی موجود و روش های آماری برای آزمون فرضیه ها استفاده شده است. نمونه ها به روش تصادفی ساده در طی دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸، انتخاب، و برای تحلیل از نرم افزار SPSS و روش تحلیل همبستگی استفاده شده است. نتایج مشخص می کند که از سه فرضیه مورد بررسی، بین اقلام تعهدی، با اندازه شرکت با مقدار احتمال ۰/۰۰۳ و ضریب تعیین ۱۶/۴٪ رابطه معناداری وجود دارد، همچنین بین اندازه شرکت با بازده سود و سهام با مقدار احتمال ۰/۰۱۵ و ضریب تعیین ۱۱/۷٪ و نیز بین اندازه شرکت و ارزش بازار شرکت های حاضر در بورس با مقدار احتمال ۰/۰۱۸ و ضریب تعیین ۱۱/۲٪ رابطه معنادار وجود دارد. این نتایج دیدگاه نظری پذیرفته شده و مشابه نتایج پژوهش های خارجی می باشد. لذا نتایج مزبور در این پژوهش نشان می دهد که اندازه شرکت موجب ارتقای بازده سود و سهام و اقلام تعهدی و نیز ارزش بازار در بلندمدت می شود.

کلمات کلیدی

اقلام تعهدی، نرخ ارزش بازار، سود، بازدهی سود و سهام، محافظه کاری، سهام، بدهی بلندمدت.

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران

habibollahnakhaei@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری (نویسنده مسئول)، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران

M.bandanipour@gmail.com

مقدمه

محافظه کاری بطور سنتی با ضرب المثل «هیچ سودی شناسایی نکنید، اما همه ی زیان ها را شناسایی کنید» تعریف شده است . صورت های مالی بخش اصلی فرآیند گزارشگری مالی را تشکیل می دهد (کمیته ی فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۹۱، ص ۴۸۱) . هدف های گزارشگری مالی و مبانی حسابداری ایجاب می کند، اطلاعاتی که گزارشگری مالی فراهم می آورد از ویژگی های معینی برخوردار باشد (مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، ۱۳۸۵، ص ۴۹). در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران از این ویژگی ها با عنوان خصوصیات کیفی یاد شده است. یکی از این خصوصیات محافظه کاری است که از آن با عنوان احتیاط یاد شده است. مفهوم محافظه کاری زمانی ایجاد شد که ترازنامه مهم ترین و اغلب تنها صورت مالی بود و اجزای سود یا سایر نتایج عملیات به ندرت در خارج از شرکت ها ارائه می شد. انگیزه ی آنها از کاربرد محافظه کاری اطمینان از آن بوده که سرمایه گذارانشان به گونه ای مناسب حفظ خواهد شد. از اینرو، کم نمایی خالص دارایی ها مطلوب، و حتی شرافت مندانه بود. چون باعث ایجاد حاشیه ی ایمنی برای وام ها می شد (هیات استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۰۵، ص ۳۶). از دیدگاه تهیه کنندگان صورت های مالی، محافظه کاری به عنوان کوششی برای انتخاب روشی از روش های پذیرفته شده ی حسابداری است که به یکی از نتایج زیر منتج می شود: شناخت کندتر درآمد فروش، شناخت سریعتر هزینه، ارزشیابی کمتر دارایی ها، و یا ارزشیابی بیشتر بدهی ها (شباهنگ، ۱۳۸۱، ص ۵۴). اعمال احتیاط نباید منجر به ایجاد اندوخته های پنهانی یا ذخایر غیرضروری گردد یا دارایی ها و درآمدها را عمداً کمتر از واقع و بدهی ها و هزینه ها را عمداً بیشتر از واقع نشان دهد زیرا این امر موجب نقض بی طرفی است و بر قابلیت اتکای اطلاعات مالی اثر می گذارد (کمیته ی فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۹۱، ص ۴۹۸). تعریف بالا نشان می دهد که محافظه کاری محصول ابهام است و هرگاه حسابداران با ابهام روبرو شوند محافظه کاری را به کار می برند. محققان تبیین هایی را درباره ی گزارشگری مالی محافظه کارانه ارائه کرده اند؛ همه ی این تبیین ها نشان می دهند که محافظه کاری برای استفاده کنندگان از گزارش های حسابداری مفید است. این تبیین ها عبارتند از:

۱. تبیین قراردادی؛

۲. تبیین دعوی حقوقی؛

۳. تبیین مالیات بر درآمد؛

۴. تبیین قانونی؛

در مفاهیم نظری گزارشگری مالی پیوست استانداردهای حسابداری ایران محافظه کاری یا همان احتیاط اینگونه تعریف شده است : "احتیاط عبارت است از کاربرد درج های از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در

شرایط ابهام مورد نیاز است بگونه ای که درآمدها یا دارایی ها بیشتر از واقع و هزینه ها یا بدهی ها کمتر از واقع ارائه نشود. "محافظه کاری واکنشی است محتاطانه نسبت به ابهام هرچه ابهام و ریسک بیشتری وجود داشته باشد، نیاز بیشتری به محافظه کاری وجود دارد. محافظه کاری نشانه های بموقعی برای بررسی وجود پروژه های دارای خالص ارزش فعلی منفی (در صورت وجود) و انجام اقدامات لازم فراهم می کند. محافظه کاری، هزینه های دعاوی حقوقی ناشی از بیش نمایی سود و خالص دارایی ها را کاهش خواهد داد. افزون بر این، محافظه کاری با کم نمایی خالص دارایی ها و سود، موجب کاهش ارزش فعلی مالیات می شود. گرچه محافظه کاری بطور وسیعی بر ارزش دفتری خالص دارایی ها و سود خالص تأثیر می گذارد، ولی حسابداران اغلب بر شیوه های محدودی از محافظه کاری تمرکز می نمایند. برای مثال انتخاب روش استهلاک تسریعی در مقابل روش خط مستقیم، هزینه کردن مخارج تحقیق و توسعه، استفاده از قاعده ی حداقل بهای تمام شده و خالص ارزش بازار در رابطه با موجودی کالا، از جمله روش های انتخابی حسابداری محافظه کارانه هستند. با این حال پژوهش های تجربی معمولاً بر محدوده های وسیع تری از محافظه کاری تکیه می کنند که منعکس کننده ی تأثیر تجمیعی تصمیمات حسابداری مورد استفاده توسط مدیران، شامل مفروضات و برآوردهای حسابداری و انتخاب رویه های حسابداری است. در این تحقیق سعی بر آن است که رابطه بین اندازه شرکت و محافظه کاری در حسابداری شرکت بیان شود. و از آنجا که سه مورد از مهمترین معیارهای اندازه گیری محافظه کاری شامل :

(۱) معیار مبتنی بر اقلام تعهدی. (۲) معیار مبتنی بر ارزش بازار شرکت (۳) و معیار رابطه ی بازدهی سهام و سود می باشد. این مقاله تلاش می کند در شرکت های مورد بررسی پس از اندازه گیری میزان محافظه کاری شرکت ها با سه معیار ذکر شده رابطه ی هر یک از سه معیار مذکور را با اندازه شرکت بررسی کند.

بورس اوراق بهادار تهران

در یک اقتصاد پیشرفته، شرکت ها نیازمند اختراعات و ابداعات جدید و به دنبال آن تولید به مقیاس وسیع و برای تولید انبوه نیازمند به کار گرفتن مقادیر زیادی از سرمایه ی مالی جهت تهیه وسایل تولید نظیر زمین، ساختمان تجهیزات، ماشین آلات، مواد خام، نیروی کار و غیره هستند، بر این اساس مسئله ی تامین مالی یکی از مسائل مهمی است که شرکت ها به نحوی با آن روبرو می باشند.

شرکت ها برای تامین مالی خود از دو منبع داخلی شامل سود تقسیم نشده و ذخایر، اندوخته ها و منابع خارجی شامل فروش سهام، اوراق قرضه و غیره استفاده می کنند. ساده ترین و ارزان ترین منبع جهت تامین مالی برای شرکت ها، منبع داخلی است، ولی گاهی اوقات این منبع جهت تامین مالی کافی نیست. لذا بعضی از شرکت ها از طریق انتشار سهام و اوراق قرضه برای تامین مالی اقدام می نمایند. بورس اوراق بهادار که یک بازار رسمی تلقی می گردد که در آن توسط افراد کارگزار بر اساس قوانین و مقررات خاصی خرید و فروش می شود. و در حقیقت محلی برای جذب پس اندازهای کوچک

افراد است، بنابراین مکانیزم بورس اوراق بهادار از جمله ابزار تامین مالی شرکت‌های تولیدی محسوب می‌شود (سعیدی، کوهساریان، ۱۳۸۸، ۱۱۰).

مبنای تصمیم‌گیری مشارکت‌کنندگان در بازارهای اوراق بهادار، اطلاعاتی است که از سوی بورس ها، ناشران اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس و واسطه‌های فعال در این بازارها منتشر می‌شود. بهره‌گیری از این اطلاعات و به عبارتی تصمیم‌گیری صحیح در بازار اوراق بهادار زمانی امکانپذیر است که اطلاعات یاد شده به موقع، مربوط، با اهمیت و نیز کامل و قابل فهم باشد (خدامی‌پور، قدیری، ۱۳۸۹، ۲).

با این حال مشخصه مهم بورس اوراق بهادار، حمایت قانون از صاحبان پس‌اندازها و سرمایه‌های راکد و الزامات قانونی برای متقاضیان سرمایه است (خدامی‌پور، قدیری، ۱۳۸۹، ۳۲).

اندازه شرکت

یکی از ویژگی‌های شرکت که می‌تواند در پیش بینی جریان‌های نقدی تأثیرگذار باشد اندازه‌ی شرکت است. شرکت‌های بزرگتر احتمالاً پارامترهای با ثبات‌تری برای مدل‌های اقلام تعهدی از قبیل مشتریان و فروشندگان گوناگون دارند. هر چه اندازه‌ی شرکت بزرگ‌تر باشد از دست دادن مشتریان و یا قراردادهای نمی‌تواند تأثیر با اهمیتی بر توانایی خلق سود شرکت بگذارد و در نتیجه نمی‌تواند جریان‌های نقدی شرکت را تحت تأثیر قرار دهد (دستگیر و محمدی، ۱۳۸۹).

اندازه شرکت می‌تواند نمایانگر اهرم شرکت باشد. اهرم عبارت از وجود هزینه‌های ثابت در فهرست هزینه‌های شرکت است. اهرم عملیاتی بر هزینه‌های ثابت عملیاتی شرکت (همه هزینه‌های ثابت غیر از بدهی‌ها) متکی است و اهرم مالی بر هزینه‌های ثابت مالی از قبیل بهره یا سود ثابت وام‌ها متکی است. اهرم عملیاتی و مالی وسیله دستیابی به سود بیشتر است. اندازه شرکت می‌تواند نمایانگر برتری رقابتی باشد. از آنجایی که سهم بیشتر از بازار نیاز به تولید و فروش بیشتر دارد لذا داشتن منابع مالی کافی و اندازه بزرگتر می‌تواند شرکت را در تولید بیشتر و صرف هزینه‌های تولید و بازاریابی بیشتر یاری کند تا بتواند مزیت‌های رقابتی ایجاد نماید.

اندازه شرکت می‌تواند نمایانگر توانایی مدیریتی و کیفیت طرح‌های حسابداری باشد. توسعه اندازه شرکت نشانگر مدیریت قوی است که با استفاده از طرح‌های حسابداری سعی در افزایش منابع اقتصادی داشته باشد. اندازه شرکت می‌تواند نمایانگر کارایی اطلاعاتی باشد. معمولاً شرکت‌های بزرگتر توجه بیشتری از تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران می‌باشند به همین جهت اطلاعات حسابداری فرآیند کارتری در شرکت‌های بزرگتر دارند. بالاخره اندازه شرکت می‌تواند نمایانگر میزان ریسک کلی شرکت باشد. توان مالی بیشتر می‌تواند سبب کاهش ریسک کلی شود زیرا شرکت‌های بزرگتر در معرض ایمنی عمومی بیشتری می‌باشند، زیرا از نظر تحلیل‌گران مالی، شناخته شده‌تر هستند.

مشارکت بین مدیریت سود و اندازه شرکت مورد توجه برخی از تحلیل‌گران حسابداری بوده است. مؤسس اعتقاد دارد با توجه به ابهام‌هایی که پیش بینی سود را در بر گرفته است فقط مدیرانی می‌توانند موفق باشند که کیفیت سود آنها بالا

باشد. همچنین در آزمون خود نتیجه گیری می کند که شرکت های بزرگ تر به علت این که نزد تحلیل گران شناخته شده تر هستند انگیزه کمتری جهت هموارسازی سود دارند. آلبرت و ریچارسون نیز اندازه شرکت را همراه با نوع صنعت در رابطه با مدیریت سود مورد آزمون قرار داده و نتیجه می گیرند که شرکت های صنایع بخش محوری که اندازه بزرگتری دارند سود هموارتری نسبت به شرکت های بزرگ بخش صنایع پیرامونی دارند (شورورزی و پهلوان، ۱۳۸۹). اسبائیس (۲۰۰۳)، پاسیروس و دیگران (۲۰۰۶)، از جمع دارایی های شرکت به عنوان معیاری برای محاسبه اندازه شرکت استفاده کردند. دارایی های شرکت عبارت است اموال منقول و غیر منقول که شرکت در تملک دارد. در این تحقیق انتظار می رود که اندازه شرکت یعنی بزرگی و کوچکی آن بر میزان محافظه کاری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ارتباط داشته باشد.

شرکت های کوچک، برای سرمایه گذاری بیرونی شفافیت کمتری دارند و معامله بر اساس اطلاعات نهانی در آنها زیاد است. در مقابل، شرکت های بزرگ بیشتر در معرض دید رسانه ها هستند و تحلیل گران زیادی را به سمت خود جلب می کنند و دارای یک محیط اطلاعاتی در دسترس هستند.

در این تحقیق برای تعیین اندازه ی شرکت از حاصل ضرب میانگین قیمت سهام طی سال (اگر شرکت در طی سال افزایش سرمایه یا سهام جایزه توزیع کرده باشد، از آن تاریخ به بعد قیمت بازار سهام مورد نظر با توجه به میزان افزایش سرمایه یا توزیع سود سهمی تعدیل می شود تا میانگین قیمت همگنی برای محاسبه ی اندازه ی شرکت به دست آید) در تعداد سهام منتشر شده در دست سهامداران در پایان سال مالی، به عنوان اندازه ی شرکت در نظر گرفته شده است. به دلیل بزرگی، اندازه بس از لگاریتم گیری در مبنای عدد طبیعی مورد استفاده قرار می گیرد (بارتلدی، بیر، ۲۰۰۵، ۱۴).

بر مبنای مطالعات انجام شده یکی از عواملی که در تشریح نوسان قدرت توضیح دهندگی سود و ارزش دفتری با ارزش شرکت در طول زمان حایز اهمیت است، تغییر اندازه شرکت ها است. این با بررسی احتمال زیان دهی در شرکت های بزرگ و کوچک نشان داد که شرکت های کوچک تر نسبت به شرکت های بزرگ تر احتمال بیش تری دارد که زیان گزارش کنند. او دلیل این امر را تنوع بیش تر فعالیت های شرکت های بزرگ تر می داند و اظهار می کند هنگامی که اقتصاد دچار تزلزل می شود شرکت های بزرگ تر بهتر می توانند خود را از زیان در امان نگه دارند. در نتیجه، ثبات سود شرکت های کوچک تر کم تر است که این امر منجر به افزایش اهمیت ارزش دفتری نسبت به سود در ارزیابی ارزش شرکت می شود. همچنین انتظار می رود که شرکت های کوچک تر نسبت به شرکت های بزرگ تر دچار معضلات مالی یا شکست شوند.

در صورتی که اندازه شرکت ها افزایش یابد می توان عکس این توضیحات را ارایه کرد. اگر اندازه شرکت افزایش یابد، انتظار می رود که توجه سرمایه گذاران از ارزش دفتری به سود معطوف شود. با افزایش اندازه شرکت ها و تنوع فعالیت آن ها انتظار مشکلات مالی و توقف یا تصفیه شرکت ها در نتیجه زیان دهی تا حد زیادی متفی می شود. در نتیجه، با توجه به حصول اطمینان سرمایه گذاران از تداوم فعالیت و سودآوری شرکت های بزرگ، سرمایه گذاران برای ارزش گذاری سهام

توجه خود را به سود هر سهم معطوف می‌کنند. در نتیجه، در ارزیابی سهام، سود هر سهم نسبت به ارزش دفتری هر سهم از اهمیت بیش‌تری برخوردار می‌شود (پورحیدری و همکاران، ۱۳۸۴).

اندازه‌ی شرکت و محافظه‌کاری

حداقل به سه دلیل انتظار می‌رود بین اندازه‌ی شرکت و محافظه‌کاری رابطه برقرار باشد:

- فرضیه‌ی هزینه‌های سیاسی
- فرضیه‌ی تأثیر تجمیعی رویدادها (اخبار)
- فرضیه‌ی افشا (یا عدم تقارن اطلاعاتی)

فرضیه اول، پیش‌بینی می‌کند که شرکت‌های بزرگ‌تر سودهای محافظه‌کارانه‌تری را گزارش کنند، در حالی که فرضیه‌های تأثیر تجمیعی و عدم تقارن اطلاعاتی را بیان می‌کنند که در سود گزارش شده توسط شرکت‌های بزرگ‌تر محافظه‌کاری کمتری لحاظ شده است (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹).

هزینه‌های سیاسی

یکی دیگر از دلایلی که اندازه شرکت را به محافظه‌کاری ربط می‌دهد عبارت است از: فرضیه هزینه‌های سیاسی در واقع از آنجایی تهیه صورت‌های مالی به عهده‌ی مدیریت واحد تجاری می‌باشد، ممکن است بنا به دلایل مختلف اقدام به مدیریت سود (هموارسازی) نماید.

واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) بیان کرده‌اند که صاحبان قدرت انگیزه دارند که برای انتقال ثروت از شرکت‌ها به خودشان یا سایر ذی‌نفعان موضع بگیرند. این مواضع به شکل الزام بعضی از شرکت‌ها به پرداخت مبالغی برای موارد اجتماعی (آلودگی محیط زیست، زلزله، جنگ و ...)، تحمیل نرخ‌های مالیات بالاتر یا محروم کردن آن‌ها از بعضی از مزایا و حقوق صورت می‌گیرد. هزینه‌های تحمیل شده به شرکت‌ها تابعی از اندازه‌ی آن‌ها است، زیرا شرکت‌های کوچک‌تر کمتر مورد توجه هستند و بنابراین کمتر در معرض انتقال سیاسی ثروت واقع می‌شوند؛ در نتیجه شرکت‌های بزرگ که تحت فشارهای سیاسی هستند، انگیزه‌ی بیشتری برای استفاده از رویه‌های کاهنده‌ی سود خالص و در نتیجه حسابداری محافظه‌کارانه دارند (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹).

بر مبنای تحقیقات انجام شده توسط محققین غربی نظیر تحقیق هیورث^۱ (۱۹۵۳)، هانت^۲ (۱۹۸۵)، داروق^۳ و دیگران و هیلی^۴ (۱۹۸۵)، انگیزه های مدیریت سود شامل قراردادهای بدهی، هزینه های سیاسی، طرحهای باداش و ساختار مالکیت می باشد (بورحیدری، همتی، ۱۳۹۳، ۴۸).

هزینه های سیاسی یکی از عوامل انگیزه های دستکاری سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد (همان). مدیریت سود نوعی اقدام آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن سود شرکت جهت رسیدن به یک سطح مطلوب و مورد نظر می باشد.

جونز و شارما^۵ تعریف جامعی در خصوص مدیریت سود ارائه نموده اند. به عقیده ی آنها مدیریت سود (دستکاری سود) زمانی اتفاق می افتد که مدیران با استفاده از قضاوت (تشخیص) در گزارش گری مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی از ذینفعان (شامل سهامداران، اعتباردهندگان، کارکنان، دولت، سرمایه گذاران و ...) درباره ی عملکرد اقتصادی شرکت با تحت تاثیر قرار دادن نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می کنند (جونز، شارما، ۲۰۰۱، ۲۱).

موزز^۶ معتقد است که هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، مدیران شرکت انگیزه و تمایل قوی تری جهت دستکاری سود خواهند داشت. به عقیده او با بزرگتر شدن شرکتها مسوولیت پاسخگویی آنها نیز بیشتر می شود و مدیران شرکتها در معرض پاسخگویی به طیف وسیعی از مدعیان قرار می گیرند (موزز، ۱۹۸۷، ۳۸۵ به نقل از یعقوبی ۱۳۹۲: ۵۵). عده ای نیز معتقدند که هر چه اندازه ی شرکت بزرگتر باشد در معرض رسیدگی های دقیق تر قرار می گیرند، لذا شرکت های بزرگتر تمایل کمتری برای دستکاری سود دارند.

اندازه ی شرکت (مجموع دارایی ها یا مجموع فروش شرکت) تنها شاخص حساسیت سیاسی نیست. تعداد کارکنان شرکت یکی دیگر از شاخص های حساسیت سیاسی می باشد، زیرا کارکنان شرکت یکی از گروه های سیاسی برای هر شرکت می باشند. هر چه تعداد کارکنان بیشتر باشد فشار وارده به شرکت جهت دستیابی به اهداف گروه بیشتر خواهد بود. در نتیجه مدیریت ممکن است جهت کاهش فشار وارده اقدام به اتخاذ تدابیری جهت کاهش سود نمایند (بورحیدری، همتی، ۱۳۹۳، ۵۱).

پیشینه تحقیق

1- Heyworth

- Hunt^۲

- Darrough^۳

- Healy^۴

- Jones and sharma^۵

- Moses^۶

نتایج بررسی های محقق نشان داد که عمده پیشینه تحقیقی با موضوع مقاله حاضر تاکنون انجام شده است، لذا محقق در بحث پیشینه تحقیق خود به موضوعات مرتبط اشاره می نماید. در این زمینه عمده ترین منابع پیشینه داخلی شناسایی شده عبارتست از تحقیقاتی نظیر «عدم تقارن زمانی در سود حسابداری و رابطه ی آن با ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران» (۸۵-۱۳۷۶)، «بررسی رابطه ی عدم تقارن زمانی سود طی دوره های یک، دو و سه ساله با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، به عنوان معیارهای محافظه کاری»، «بررسی رابطه بین محافظه کاری سود عملیاتی با نسبت قیمت بازار به ارزش دفتری هر سهم» (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه محافظه کاری و جریان های نقدی عملیاتی آتی» (۱۳۸۸)، «رابطه محافظه کاری با سود سالهای آتی و جریانات نقد عملیاتی آتی» (۱۳۸۷) نیز از جمله تحقیقات مرتبط با موضوع حاضر قلمداد می شود. از بین منابع خارجی نیز عمده ترین منبع مورد استفاده مقاله بیس تحقیق حاضر به تحقیقی در خصوص بررسی رابطه ی محافظه کاری با سازوکارهای راهبری شرکتی پرداختند. با استفاده از سه معیار محافظه کاری عدم تقارن زمانی، ارقام تعهدی، و ارزش های بازار نشان دادند که بین اندازه ی شرکت و محافظه کاری اندازه گیری شده با استفاده از: الف) معیار ارقام تعهدی، رابطه ی مثبت و معنادار، ب) معیار ارزش بازار، رابطه ی منفی و معنادار و ج) معیار عدم تقارن زمانی، رابطه ی معناداری وجود ندارد. (۲۰۰۷). «به بررسی قدرت و قابلیت اتکای معیار اثر تجمیعی رویدادها در اندازه گیری محافظه کاری با استفاده از مدل سری زمانی» (۲۰۰۷)، همچنین «بررسی رابطه ی درصد مالکیت مدیران با محافظه کاری» (۲۰۰۸).

فرضیه های تحقیق

۱. ارقام تعهدی بر اندازه شرکت دارای تاثیر معنادار است.
۲. بازدهی سود و سهام بر اندازه شرکت دارای تاثیر معنادار است.
۳. ارزش بازار بر اندازه شرکت دارای تاثیر معنادار است.

روش تحقیق

روش کلی این تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی می باشد و داده های مورد نیاز از روش کتابخانه ای گردآوری شده اند. اطلاعات مورد نیاز تحقیق، از منابع مرتبط اسنادی از طریق مراجعه به بروشورها و مجلات سازمان بورس اوراق بهادار تهران و بهره گیری از کتابخانه این سازمان و همچنین با استفاده از نرم افزارها و سایت های اینترنتی موجود داده های مورد نظر جمع آوری شده است.

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری تحقیق، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که نمونه آماری آن از طریق روش کوکران حجم نمونه مناسب تعیین شد و شامل شرکت هایی است که ویژگی های مورد نیاز برای انجام تحقیق را داشته باشند. سپس با توجه به ویژگی های منحصر به فرد بازار بورس اوراق بهادار تهران، و با استفاده از اطلاعات بورس، سایت های اینترنتی، شرکت های بورسی و صورت های مالی موجود در بورس اوراق بهادار تهران داده های مورد نیاز استخراج شده و با استفاده از روش آمار استنباطی رگرسیون، و آماره آزمون t و z و تحلیل عاملی و رگرسیون چند متغییره با بهره گیری از نرم افزارهایی چون EXCEL و SPSS فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار می گیرند. قلمرو زمانی پژوهش نیز از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۸ (یک دوره پنج ساله) تعیین شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل شرکت هایی است که از شرایط زیر برخوردار باشند:

- شرکت هایی که از سال ۱۳۹۳ مورد پذیرش قرار گرفته و شرکت سر مایه گذاری نباشند.
 - شرکت هایی که دوره مالی آنها آخر اسفند ماه هر سال بوده و در دوره مورد بررسی توقف معامله نداشته باشند.
 - شرکت هایی که بعد از پذیرش زیان گزارش نموده و داده های آنها در دسترس باشند.
- کل شرکت های واجد شرایط فوق که جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می دهند، ۳۰۰ شرکت هستند. نمونه آماری متشکل از ۶۸ شرکت است که به صورت تصادفی از بین ۳۰۰ شرکت انتخاب شدند. با توجه به اینکه دوره تحقیق پنج ساله است، در نهایت با توجه به مجموعه شرایط فوق، تنها ۶۸ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۸ شرایط بالا را دارا بوده و بنابراین به عنوان جامعه مورد بررسی، انتخاب شدند.

یافته های تحقیق

فرضیه ۱: اقلام تعهدی بر اندازه شرکت دارای تاثیر معنادار است.

برای بررسی رابطه بین اقلام تعهدی و اندازه شرکت از رگرسیون خطی استفاده می کنیم. در این قسمت با در نظر گرفتن مدل رگرسیونی زیر:

$$Y = \beta_0 + \beta_1 X_1 + \varepsilon$$

که در آن Y اندازه شرکت، X_1 اقلام تعهدی است، فرضیه صفر بیان می کند که رگرسیون معنی دار نیست یا وجود رابطه خطی رد می شود و فرضیه مقابل معنی دار بودن رگرسیون یا تأیید رابطه خطی می باشد. نتایج به صورت زیر است:

جدول ۱: جدول تحلیل رگرسیون فرضیه ۱

R2	ANOVA					
	P-value	آماره F	درجه آزادی	میانگین مربعات	مجموع مربعات	
۰/۰۹۲	۰/۳۲a	۴/۸۴۹	۴/۱۱۹	۱	۴/۱۱۹	رگرسیون
			۰/۸۴۹	۴۸	۴۰/۷۷۶	خطا
				۴۹	۴۴/۸۹۵	کل

با توجه به جدول فوق مشاهده می شود که آماره F برابر ۴/۸۴۹ بوده است و مقدار احتمال ۰/۰۳۲ می باشد و با توجه به اینکه مقدار احتمال کوچکتر از $(\alpha = ۰/۰۵)$ یعنی

$$p\text{-value} = ۰/۰۳۲ < \alpha = ۰/۰۵$$

پس فرضیه صفر رد می شود یعنی اقلام تعهدی بر اندازه شرکت تاثیر معناداری دارد. مقدار R^2 برابر ۹,۲٪ است یعنی ۷,۲٪ از تغییرات اندازه شرکت توسط اقلام تعهدی معین می شود. برای ضرایب مدل داریم:

جدول ۲: جدول ضرایب رگرسیونی فرضیه ۱

مقدار احتمال	آماره t	ضریب بتا استاندارد شده	انحراف استاندارد بتا	ضریب بتا	
۰/۰۰۰	۳۴/۰۱۵		۰/۱۸۲	۶/۱۸۶	مقدار ثابت
۰/۰۳۲	-۲/۲۰۲	-۰/۳۰۳	۰/۰۰۰	-۳/۶۳۸E-۷	اقلام تعهدی

در جدول بالا مشاهده می کنید که مقدار احتمال برای متغیر اقلام تعهدی برابر ۰/۰۳۲ و کوچکتر از ۰,۰۵ می باشد و این موضوع نشان می دهد که تاثیر متغیر اقلام تعهدی بر اندازه شرکت معنی دار است. منفی بودن ضریب بتا $(-۰,۰۰۰۰۰۰۳۶۳۸)$ نشان می دهد که تاثیر این متغیر بر اندازه شرکت منفی است.

فرضیه ۲: بازدهی سود و سهام بر اندازه شرکت دارای تاثیر معنادار است.

برای بررسی رابطه بین بازدهی سود و سهام و اندازه شرکت شرکت از رگرسیون خطی استفاده می‌کنیم. در این قسمت با در نظر گرفتن مدل رگرسیونی زیر:

$$Y = \beta_0 + \beta_1 X_1 + \varepsilon$$

که در آن Y اندازه شرکت، X_1 بازدهی سود و سهام است، فرضیه صفر بیان می‌کند که رگرسیون معنی‌دار نیست یا وجود رابطه خطی رد می‌شود و فرضیه مقابل معنی‌دار بودن رگرسیون یا تأیید رابطه خطی می‌باشد. نتایج به صورت زیر است:

جدول ۳: جدول تحلیل رگرسیون فرضیه ۲

R2	ANOVA					
	P-value	آماره F	درجه آزادی	میانگین مربعات	مجموع مربعات	
۰/۰۱۲	۰/۴۴۰a	۰/۶۰۷	۰/۵۶۰	۱	۰/۵۶۰	رگرسیون
			۰/۹۲۴	۴۸	۴۴/۳۳۵	خطا
				۴۹	۴۴/۸۹۵	کل

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که آماره F برابر ۰/۶۰۷ بوده است و مقدار احتمال ۰/۴۴ می‌باشد و با توجه به اینکه مقدار احتمال بزرگتر از $(\alpha = ۰/۰۵)$ یعنی

$$p\text{-value} = ۰/۴۴ > \alpha = ۰/۰۵$$

پس فرضیه صفر رد نمی‌شود یعنی بازدهی سود و سهام بر اندازه شرکت تاثیر معناداری ندارد. برای ضرایب مدل داریم:

جدول ۴: جدول ضرایب رگرسیونی فرضیه ۲

مقدار احتمال	آماره t	ضریب بتا استاندارد شده	انحراف استاندارد بتا	ضریب بتا	
۰/۰۰۰	۳۵/۱۸۹		۰/۱۷۰	۵/۹۸۷	مقدار ثابت
۰/۴۴۰	-۰/۷۷۹	-۰/۱۱۲	۰/۰۰۵	-۰/۰۰۴	رشد شرکت

در جدول بالا مشاهده می کنید که مقدار احتمال برای متغیر رشد شرکت برابر ۰/۰۰۰ و بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد و این موضوع نشان می دهد که تاثیر متغیر بازدهی سود و سهام بر اندازه شرکت معنی دار نمی باشد.

فرضیه ۳: ارزش بازار بر اندازه شرکت دارای تاثیر معنادار است.

برای بررسی رابطه بین ارزش بازار و اندازه شرکت شرکت از رگرسیون خطی استفاده می کنیم. در این قسمت با در نظر گرفتن مدل رگرسیونی زیر:

$$Y = \beta_0 + \beta_1 X_1 + \varepsilon$$

که در آن Y اندازه شرکت، X_1 ارزش بازار است، فرضیه صفر بیان می کند که رگرسیون معنی دار نیست یا وجود رابطه خطی رد می شود و فرضیه مقابل معنی دار بودن رگرسیون یا تأیید رابطه خطی می باشد. نتایج به صورت زیر است:

جدول ۵: جدول تحلیل رگرسیون فرضیه ۳

R2	ANOVA					
	P-value	آماره F	درجه آزادی	میانگین مربعات	مجموع مربعات	
۰/۰۰۲	۰/۷۴۵a	۰/۱۰۷	۰/۱۰۰	۱	۰/۱۰۰	رگرسیون
			۰/۹۳۳	۴۸	۴۴/۷۹۵	خطا
				۴۹	۴۴/۸۹۵	کل

با توجه به جدول فوق مشاهده می شود که آماره F برابر ۰/۱۰۷ بوده است و مقدار احتمال ۰/۷۴۵ می باشد و با توجه به اینکه مقدار احتمال بزرگتر از $(\alpha = ۰/۰۵)$ یعنی

$$p\text{-value} = ۰/۷۴۵ > \alpha = ۰/۰۵$$

پس فرضیه صفر رد نمی شود یعنی ارزش بازار بر اندازه شرکت تاثیر معناداری ندارد. برای ضرایب مدل داریم:

جدول ۶: جدول ضرایب رگرسیونی فرضیه ۳

مقدار احتمال	آماره t	ضریب بتا استاندارد شده	انحراف استاندارد بتا	ضریب بتا	
۰/۰۰۰	۳۴/۸۲۱		۰/۱۶۹	۵/۸۷۵	مقدار ثابت
۰/۷۴۵	-۰/۳۲۷	-۰/۰۴۷	۰/۶۴۴	-۲/۱۱	ارزش بازار

در جدول بالا مشاهده می کنید که مقدار احتمال برای متغیر میزان نرخ بازده دارایی برابر ۰/۷۴۵ و بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد و این موضوع نشان می دهد که تاثیر متغیر ارزش بازار بر اندازه شرکت معنی دار نیست.

نتیجه گیری

نتایج حاصله نشان می دهد که ، اندازه شرکت به عنوان پارامتر اثر گذار با سه متغیر اصلی اقلام تعهدی، ارزش بازار و بازده سود و سهام، رابطه معناداری برقرار نموده است .

چنانچه ذکر گردید نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات گذشته تا حدود زیادی همخوانی دارد. نتایج این پژوهش همانند پژوهش های خارجی و داخلی گفته شده بر وجود رابطه معنادار بین اندازه شرکت و میزان محافظه کاری شرکت های حاضر در بورس اوراق بهادار تاکید دارد. از تشابهات دیگر نتایج این پژوهش با پژوهش های مشابه خارجی ، ارتباط مستقیم اقلام تعهدی، بازده سود و سهام قابل مشاهده می باشد و نیز با ورود ۱- در محاسبه ارزش بازار، نیز رابطه معنادار و مستقیمی بین دو متغیر موردبررسی ملاحظه می گردد.

استنباط حاصل از نتایج پژوهش بیانگر این موضوع است که تامین مالی شرکت های زیان ده از طریق استقراض می تواند موجب بهبود در عملکرد شرکت های زیان ده شود. زیرا این موضوع مدیران را وادار می کند تا عملکرد شرکت را بهبود ببخشند و از ورشکستگی آن جلوگیری کنند. همچنین در شرکت های زیانده محافظه کاری حسابداری می تواند رفتار جانبدارانه مدیر را بیش نمایی سود خنثی و به تاخیر اندازد. در نتیجه پرداخت های اضافی به مدیر و سایر گروه ها نظیر سهامداران، محدود و ارزش شرکت نیز در بلند مدت افزایش می یابد. بنابراین افزایش محافظه کاری موجب ارتقای ارزش شرکت های زیان ده در بلند مدت می شود. همچنین با توجه به شرایط خاص حضور شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران بعنوان بازار سرمایه بعنوان شرکت های صاحب نام و شناسایی آنها حداقل بعنوان شرکتهایی با اندازه بزرگ ، منطقی می باشد که ارزش بازار ، اقلام تعهدی و بازده سودوسهم بعنوان سه شاخص اصلی محافظه کاری از اهمیت بالایی برخوردار می باشند. و لذا تلاش مدیران مالی این شرکت ها جهت حفظ شرایط موجود و حضور فعال در بازار

سرمایه مسلما منجر به بهره گیری آنان از محافظه کاری در گزارشگری های مالی آنان می شود. و نتایج این تحقیق نشان داد که رابطه مثبت و مستقیم بین سه شاخص محافظه کاری با اندازه شرکت برقرار می باشد.

پیشنهادهات

اکنون با توجه به نتایج تحقیقات نظری و کاربردی حاضر می توان پیشنهادات ذیل را عنوان نمود:

براساس نتایج بدست آمده از سایر تحقیقات مشابه، مشخص است که اندازه ی شرکت یکی از مهمترین پارامترهای اثرگذار بر تعدیل و یا انتخاب تصمیمات تامین مالی محسوب می گردد. بنابراین لازم است که مدیران شرکت ها و نیز موسسات تامین سرمایه ای این مقوله را با تدوین و ارزیابی به روزتر و اطلاعات جامع تری از بازار سرمایه مدنظر قرار دهند. هم چنین به جهت کاربردی شدن اطلاعات و فرضیات حاصله بهتر است که به بررسی تاثیر اندازه شرکت بر محافظه کاری شرکت ها به تفکیک صنایع پرداخته شود تا اطلاعات کاربردی تری را بتوان در اختیار بورس اوراق بهادار و نیز شرکت های حاضر در بورس اوراق بهادار قرار داد، چرا که شرایط حاکم بر بازارهای فعال اقتصادی متفاوت است و چنین بررسی هایی می تواند اثرات مطلوب تری بر رشد بازار بورس کشور داشته باشد چرا که تفکیک صنایع در تحلیل می تواند نشان دهنده اطلاعات جامع و دقیق تری در این خصوص باشد. بنابراین بررسی نگرش مدیران مالی شرکت های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران در خصوص کارایی و اثرات مثبت محافظه کاری بر گزارشگری مالی آنان می تواند بعنوان مکمل اطلاعات حاصله قلمداد می گردد. هم چنین پیشنهاد می گردد که بامطالعات دقیقتر مطابق دسته بندی سازمان بورس، ابتدا با توجه به شاخص اندازه شرکت، شرکتها در سه دسته کوچک، متوسط و بزرگ دسته بندی گردد و سپس بصورت مقایسه ای به بررسی تاثیر اندازه شرکت بر میزان محافظه کاری آنان پرداخته شود.

منابع

- ایزدی نیا، ناصر و رسائیان، امیر (۱۳۸۸). بررسی رابطه اهرم مالی و نقدشوندگی دارایی ها در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مالی، ۱(۲)، ۴۱ - ۱۸.
- پورحیدری، امید؛ سلیمانی امیری، غلامرضا و صفاجو، محسن (۱۳۸۴). بررسی میزان ارتباط سود و ارزش دفتری با ارزش بازار سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۲، ۱۹ - ۳.

جبارزاده کنگرلویی، سعید و بایزیدی، انور (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین جهت گیری های اخلاقی، تعهدات حرفه ای و منافع فردی با محافظه کاری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۳(۱۰)، ۱۲۲ - ۱۰۳.

دستگیر، محسن و محمدی، کامران (۱۳۸۹). تاثیر تغییرپذیری سودهای عملیاتی و اندازه ی شرکت بر روی قابلیت پیش بینی مدل های تعهدی و نقدی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۲(۶)، ۹۴ - ۷۳.

شباهنگ، رضا (۱۳۸۱). تئوری حسابداری، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسي سازمان حسابرسي. شورورزی، محمدرضا و پهلوان، رحیم (۱۳۸۹). تاثیر اندازه شرکت بر هموارسازی سود، مجله پژوهش های مدیریت، ۸۷، ۸۰ - ۶۹.

کمیته فنی سازمان حسابرسي، (۱۳۹۱)، استانداردهای حسابداری، سازمان حسابرسي، نشریه ۱۶۰

مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسي، (۱۳۸۵)، "مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی"، سازمان حسابرسي، نشریه ۱۱۳.

مهرانی، ساسان؛ مرادی، محمد و اسکندر، هدی (۱۳۸۹). رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه، مجله پژوهش های حسابداری مالی، ۲(۱)، ۶۲ - ۴۷.

مهرانی، کاوه؛ وافی ثانی، جلال و حلاج، محمد (۱۳۸۹). رابطه قراردادهای بدهی و اندازه شرکت با محافظه کاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسي، ۵۹.

هیات استانداردهای حسابداری مالی، (۲۰۰۵)

وکیلی فرد، حمیدرضا؛ دستگیر، محسن، احمدی، محمد رمضان (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل عوامل اقتصادی و عوامل قراردادی اثرگذار بر فرآیند انتخاب خط مشی های حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۲(۷)، ۱۵۷ - ۱۳۶.

یعقوبی، حسن (۱۳۹۲)، پایان نامه کارشناسی ارشد، «بررسی تاثیر اندازه شرکت بر محافظه کاری در شرکت های صنعتی بورس اوراق بهادار تهران»، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور.

Givoly, D., C. Hayn and A. Natarajan (2007) . Measuring reporting conservatism. The Accounting Review; 82: 65-106.

Laffond, R. and R. L. Watts. (2006) . The Information Role of Conservative Financial Statements. On Line: www.SSRN.Com.

LaFond, R., Roychowdhury, S (2008) . Managerial ownership and accounting conservatism. Journal of Accounting Research; 46: 101-135.

Company protection company according to participation in different companies, in Tehran Stock Exchange

Habibollah Nakhaei

Assistant Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Birjand
Branch, Birjand, Iran (habibollahnakhaei@yahoo.com)

Maryam Bandanipour

PhD Student, Department of Accounting, , Islamic Azad University, Birjand Branch,
Birjand, Iran (M.bandanipour@gmail.com)

Abstract

This study has considered the effect of accounting conservatism, accruals and return on profits and stocks on the size of companies listed on the Tehran Stock Exchange for a period of five years from 2014 to 1398. The research method in the present study is a descriptive-analytical method. The present study is an application in which real information and statistical methods are used to test the hypotheses. Samples were selected by simple random method during the period 1393 to 1398, and SPSS software and correlation analysis methods were used for analysis. The results show that of the three hypotheses examined, there is a significant relationship between accruals, company size with a probability value of 0.003 and a coefficient of determination of 16.4%. There is also a significant relationship between the size of the company with profit and stock returns with a probability value of 0.1515 and a coefficient of determination of 11.7% and also between the size of the company and the market value of companies listed on the stock exchange with a probability value of 0.018 and a coefficient of determination of 11.2%. These results are accepted from a theoretical point of view and are similar to the results of foreign research. Therefore, the results of this study show The size of the company improves the return on profits and stocks and accruals and the market value is in the long run.

Key words: Commitment items, market value, profit, profit and stock returns, conservatism, stocks, long-term debt.